یادداشت ها

۱- تزهای آوریل: پس از پیروزی انقلاب فوریه روسیه و سرنگونی تزار، و پیش از بازگشت لنین از تبعید به روسیه، رهبران بلشویک آن زمان که در روسیه بودند و بطور مشخص استالین و کامنف موضع حمایت انتقادی از حکومت موقت را که یک حکومت سرمایه داری بود اتخاذ کرده بودند و در مورد جنگ امپریالیستی جهانی اول که روسیه نیز درگیر آن بود، تحت لوای "دفاع از سرزمین پدری" از ادامه جنگ حمایت کردند.

لنین پس از بازگشت به روسیه در روز ٤ آوریل ۱۹۱۷، یکسره به مخالفت با این سیاست ها برخاست و مخالفت خود را در سندی که به نام "ترهای آوریل" مشهور است ارائه کرد. در "تزهای آوریل" لنین لزوم کسب قدرت توسط پرولتاریا و اتخاذ سیاست مستقل از سرمایه داران و همچنین پایان جنگ امپریالیستی را اعلام کرد. تروتسکی این مبارزات درون حزبی لنین را "تجدید سلاح حزب بلشویک" نام گذاشته است.

۲- سوسیال- پاتریوتیک: این عنوان به کسانی اطلاق می شد که در جنگ جهانی اول از یک طرف خود را سوسیالیست می خواندند و از سوی دیگر تحت عنوان میهن پرستی (پاتریوتیسم) به حمایت از سرمایه داران داخلی و حکومت آنها بر می خاستند.

۳- نارودنیک ها گروهی بودند که در اوائل قرن بیستم در روسیه پدید آمدند و نیروی انقلابی اجتماعی را اساساً دهقانان می دانستند. نارودنیک ها بیشتر فعالیت خود را نیز در میان دهقانان متمرکز ساخته بودند.

٤ـ کمون پاریس: در ١٨ مارس ١٨٧١ در اثر یک انقلاب کارگری در پاریس حکومتی کارگری به قدرت رسید که به "کمون پاریس" شهرت یافته است. این حکومت هفتاد و دو روز بعد و پس از یک سری مبارزات خونین، در ٢٨ مه ١٨٧١ سرنگون شد.

٥ـ آلماآتا: منطقه ای نزدیک مرز روسیه و چین. تروتسکی در سال ١٩٢٨ به آلماآتا تبعید شد.

٦ـ انقلاب ١٩١٨ آلمان: پس از پیروزی انقلاب اکتبر و در اثر تأثیرات جنگ جهانی اول بر آلمان، در سال ١٩١٨ انقلابی کارگری در آلمان بوقوع پیوست که در اثر خیانت رهبران سوسیال دموکراسی در این کشور و سازش آنان با سرمایه داران، این انقلاب بشکست انجامید. ولی در اثر این انقلاب سلطنت سرنگون شد و "جمهوری وایمر" تشکیل گردید.

٧ـ انترناسیونال دوم (یا بین الملل دوم و یا بین الملل سوسیالیست): این سازمان در سال ١٨٨٩ به عنوان جانشین بین الملل اول که بین سال های ١٨٦٤ و ١٨٧٦ وجود داشت و توسط مارکس رهبری می شد، ایجاد گردید. این سازمان شامل احزاب سوسیالیستی و کارگری در کشورهای مختلف بود و مهمترین بخش آن را سوسیال دموکراسی آلمان به رهبری کائوتسکی تشکیل می داد. سوسیال دموکراسی روسیه نیز که انقلابیون نظیر لنین و تروتسکی در آن فعالیت داشتند، بخشی از این بین الملل بود. در سال ١٩١٤ پس از بروز جنگ جهانی اول، اکثر رهبران این بین الملل به حمایت از حکومت های سرمایه داری کشورهای خود پرداختند و سوسیال دموکرات ها در دو طرف جبهه های جنگ به دو نیروی متخاصم تبدیل شدند و بدین ترتیب اصول انترناسیونالیسم کارگری را زیر پا گذاشتند. درعین حال اقلیتی مانند لنین، تروتسکی، روزالوکزامبورگ و کارل لیبنخت با این خیانت سوسیال دموکراسی به مخالفت پرداخته و به اصول همبستگی بین المللی کارگری علیه سرمایه داران و جنگ های امپریالیستی وفادار ماندند.

پس از پایان جنگ جهانی اول کلیه احزاب بین الملل دوم به شکل احزابی رفرمیست و سازشکار در آمدند که امروزه نیز همچنان به فعالیت های رفرمیستی خود ادامه می دهند.

۸- کومینترن (یا انترناسیونال کمونیستی، یا بین الملل سوم): پس از خیانت رهبران بین الملل دوم، اقلیتی که در این بین الملل به مخالفت با سیاست های سازشکارانه اکثریت برخاسته بود، نیاز به تشکیل بین المللی جدید را اعلام داشت که البته برخی از همین اقلیت که به نام جناح "سنتر" و یا "سانتریست" خوانده می شدند این چشم انداز را رد می کردند. پس از پیروزی انقلاب روسیه امکان تشکیل این بین الملل پدید آمد و در سال ۱۹۱۹ بین الملل سوم تحت رهبری لنین و تروتسکی تاسیس و اولین کنگره ی آن در اتحاد شوروی برگزار شد.

با آغاز انحطاط حزب کمونیست شوروی و تحکیم قدرت توسط بوروکراسی استالینیستی، بین الملل سوم نیز بتدریج پس از چهار کنگره ی اول آن رو به زوال و تبعیت از سیاست های استالینیستی نهاد. کنگره ی پنجم آن پس از آنکه استالین کنترل را بدست گرفته بود در سال ۱۹۲٤ تشکیل شد. و سپس دو کنگره ی بعدی آن بطور نامرتب در سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۳۵ تشکیل شد. در سال ۱۹٤۳، استالین برای اثبات حسن نیتش به متفقین امپریالیست خود در جنگ جهانی دوم و اینکه اتحاد شوروی علاقه ای به انقلاب سوسیالیستی در کشورهای دیگر ندارد، بین الملل سوم را رسماً منحل ساخت.

۹- کمیته آنگلو- روسی: بدنبال اتخاذ سیاست های غلط از سوی رهبری استالین و کومینترن، نمایندگان اتحادیه های کارگری شوروی و اتحادیه های کارگری انگلستان در ۱۹۲۵ دست به تشکیل کمیته آنگلو- روسی زدند، تحت سرپوش همین کمیته بود که رهبران رفرمیست اتحادیه های کارگری انگلستان توانستند اعتصاب عمومی کارگران انگلستان در سال ۱۹۲٦ را منحرف و به شکست منجر سازند. تروتسکی

قبلاً خواستار خروج نمایندگان شوروی از این کمیته شده بود. آلبرت پورسل و جورج هیک اعضای انگلیسی این کمیته بودند.

۱۰- موژیک: اصطلاح روسی به معنای دهقان فقیر. در مقابل آن اصطلاح کولاک به معنای زمین دار بزرگ قرار دارد.

۱۱- سانتریست های دست راستی: منظور جناح استالین- بوخارین است که سیاست های اپوزیسیون چپ علیه مواضع آنان اتخاذ شده بود. سانتریست به نیروهائی اطلاق می شود که فاقد برنامه ی مشخص در مبارزه ی طبقاتی بوده و سیاست های آنان ما بین قطب سیاست رفرمیستی و قطب سیاست انقلابی نوسان می کند.

۱۲- سوسیال- رولوسیونرها (یا اس- آرها): در سال ۱۹۰۰ حزب سوسیال رولوسیونرها در روسیه تشکیل شد و بیشتر و بیشتر نفوذش در میان دهقانان آن کشور افزایش یافت بطوریکه در انقلاب ۱۹۱۷ بزرگترین حزب دهقانی بود. بلافاصله پس از انقلاب اکتبر، در این حزب انشعاب شد و جناح چپ آن از حکومت بلشویک ها حمایت کردند و جناح راست علناً به مخالفت با حکومت شوراها پرداخت.

۱۳- پالوس و سالوس: نام دو تن از حواریون حضرت مسیح که اولی مظهر تقدس و ایمان و دومی مظهر بی ایمانی و نامقدسی است.

۱٤- سنکولات ها: اصطلاحی بود که از طرف اشرافیت فرانسه برای انقلابیون آن کشور بکار برده می شد. معنای لغوی آن "بدون شلوار اسب سواری" است و مناسبت آن چنین بود که تا قبل از وقوع انقلاب کبیر فرانسه، سربازان اشرافیت و خود آنان با شلوارهای مخصوص سوارکاران بر اسب می نشستند و پس از انقلاب که توده ی مردم بخش عمده و اصلی سواره نظام انقلابی را تشکیل می دادند، شلوار عادی جانشین شلوار مخصوص سوارکاران شد. از همین رو اشراف فرانسه از روی

تمسخر سربازان ارتش انقلابی جمهوری را با این لقب خطاب می کردند و از آن پس به هر فرد انقلابی و رادیکال اطلاق می شد.

۱۵- ژاکوبین ها رادیکال ترین جناح سیاسی در انقلاب کبیر فرانسه بودند و از آغاز سرنگونی ژیروند در سال ۱۷۹۱ تا زمان ترمیدور یعنی سال ۱۷۹٤ جناح غالب در رهبری بودند.

۱٦- اشاره به "ده فرمان" حضرت موسی که به عنوان وحی منزل معرفی شده است.

۱۷- بین الملل دهقانان: در سال ۱۹۲۳ توسط کومینترن تشکیل شد. این تجربه موفقیت آمیز نبود و این سازمان در اواخر دهه ی ۱۹۲۰ منحل شد.

۱۸- متفقین امپریالیست: اتحاد انگلستان، فرانسه، روسیه تزاری، بلژیک و بعداً ایالات متحده در جنگ جهانی اول.

۱۹- دوما: نام پارلمان روسیه در زمان تزار، نمایندگان این مجلس از طریق انتخابات بسیار محدود تعیین می شدند.

۲۰- ساراتوف: نام منطقه ای در ناحیه جنوب شرقی بخش مرکزی اروپائی روسیه.

۲۱- "استاد" جهل و بیصداقتی: اشاره به یکی از نطق های استالین که در آن خود را استاد انقلاب نامید.

۲۲- زمستی: اعضا سازمان خود مختار اداری محلی (زمستوا) که در اواخر دوران حکومت تزاری بر پا شد و قدرتش محدود و اشرافیت لیبرال در آن غالب بود.

۲۳- تپل یورا (۱۹۲٦- ۱۸۷۷): دبیر کل نظامی اوکرائین بود سپس در راس اوکرائین قرار گرفت. تپل یورا پس از استقرار حکومت شوراها به خارج فرار کرد.

۲٤- تزاریسم سوم ژوئن: در سوم ژوئن ۱۹۰۷ پیروزی ضدانقلاب توسط روی کار آمدن یک حکومت دست راستی تحکیم شد و ارتجاع پیروزمند، خفقان شدید و سرکوب جنبش کارگری را در پیش گرفت.

۲۵- دوران چهار دوما: فاصله ی زمانی ما بین تشکیل چهار دوما (پارلمان تزاری) از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ که دوران خفقان تزاری بود.

۲۶- پاسیفیسم: اندیشه ای که با هر نوع جنگ بدون توجه به ماهیت آن مخالفت می ورزد. طرفداران این طرز تفکر معتقدند که اختلافات ملی و بین المللی باید از طرق مسالمت آمیز حل شود و توسل به قهر را چه از طرف ستمدیدگان و چه از طرف ستمگران محکوم می کنند.

۲۷- پورسلی: منسوب به پورسل از رهبران رفرمیست جنبش کارگری انگلستان در دهه ی ۱۹۲۰ (رجوع شود به فهرست شخصیت ها).

۲۸- هوهن زولرن: آخرین خاندان سلطنتی در آلمان که توسط انقلاب ۱۹۱۸ آلمان سرنگون شد و "جمهوری وایمر" جایگزین آن شد.

۲۹- هاپسبورگ: آخرین خاندان سلطنتی اتریش که پس از پایان جنگ جهانی اول منقرض شد.

۳۰- پوچیسم: قیام ماجراجویانه یک اقلیت که بدون توسل به توده ها و شرکت آنان در قیام صورت گیرد "پوچ" در اصطلاح سیاسی نام دارد و طرفداری از این "پوچیسم" نامیده می شود.